

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید موسی عثمان هستی  
۱۲ نومبر ۲۰۱۳

## دفاع از مجید، دفاع از مبارزه است.

بنام سنگر گلگون آن مرد  
نه نالیده از رنج و سختی و درد  
بلند گشته زسم اسپ او گرد  
نگردیده بتاریخ رنگ اوزرد

محترم میرویس ودان محمودی!

عزیزم باوجودی که خود توان نوشتن را ندارم، مگر نوشته همسنگران قلمی خودراکه شماهم یکی از آن قلم بدستان هستید، می خوانم و از آن قوت قلب می گیرم. اگر نمی توانم به پای شما همسنگران قلم، که درسنگر دفاع از وطن و مردم بی دفاع افغانستان در برابر پالیسیها و سگان انجونی آنها این مارکسیست نماهای به اصطلاح «مائویست» که خون ملت مارامی چوشند، به تائیدخامه شماوطن پرستان بی ترس که به نام و شهرت خود را که در جامعه بین افغانها و ایرانیها شناخته شده اید، برسم؛ من هم به نوبه خود خواهم کوشید با ارائه آن اسنادی که در دملت افغانستان را دوا و خاینان را افشانماید، سهم خود را ادا نمایم.

آری کوشش می کنم که زیادو فراوان بنویسم و با این نوشته هاعمر کوتاه خود را در تاریخ وطن طولانی سازم و قلم ناتوان من در خدمت وطن و انقلابی های وطن قرار داشته باشد. افسوس که مریض و ناتوان جسمی هستم. قلم در دستم بی خودمی تپد. بانگشنان ناتوان و علیل چندسطری می نویسم و به دست توانای ویراستار قلم و نوشته می سپرم که الماس قلم مرا رخ و صیقل دهد.

استاد «موسوی» استاد من است من به او و همکارانش سخت احترام دارم و در پهلوی احترام من و استاد و دوستم خالق دادپیمانی استاد قلم و طنز نویس ادبی، یک گله از استاد «موسوی» هر داریم و بارها این گله را در تلیفون بایک دیگر از استاد «موسوی» کرده ایم.

این قدر می دانم که گروپ هائیکه از شعله جاوید و از رهائی و ساماجدا شدند و سنگ شعله و ساما را بر سینه می زنند افراد سالم و وطن پرست در بین شان کمتر دیده می شود. قدرت و نیروی خاینان در بین انقلابیون به خاطر ی که جاسوس انجوها هستند. از دالره های سرشار امریکا و غرب استفاده می کنند، اگر انقلابی هائی هم با آنها باشد توسط دالر انجوبازان جاسوس و خاین به حاشیه رانده و بدنام می شوند.

اگر استاد «موسوی» از زنده یاد «مجید کلکانی» و استاد و دانشمند شناخته شده وطن ما زنده یاد «قیوم رهبر» دفاع می کند این اخلاق نمایندگی از شجاعت و مردانگی استاد «موسوی» می نماید. من که یک روز در ساما نبودم و دوستی شخصی

دردوران مدرسه باین دوزنده یاد داشتیم دفاع کردن از آن دومردانقلابی راوظیفه وجدانی خودمی دانم. و این را از هیچ کسی هم پنهان نمی کنم و بار ها گفته و نوشته ام، آنهایی که دم از رفاقت با مجید و رهبر می زدند و یا زمانی عضو ساما بودند، آنها را زمانی انسانهای با شرفی می دانم که به دفاع از «مجدد» و «رهبر» پابیش بگذارند، در غیر آن با سکوت شان انسانهای شرفباخته ای هستند که ننگ تاریخ را با خود خواهند برد. زیرا نه تنها امروز بلکه در این دوران، دفاع از مجید و رهبر دفاع از مبارزه است.

نمی دانم چرا استاد «موسوی» با وجود آن سالهاست نه تنها با «ساما» دیگر رابطه ندارد، بلکه همان سامائی ها، به خصوص آنهایی که خود مرتکب خیانت شده و با خیانت شان تاریخ درخشان «ساما» را لکه دار ساخته اند، از کوچکترین امکانی به خاطر تخریب «موسوی» دریغ نمی ورزند، هنوز هم به دفاع از «ساما» شمشیرقلم به دست دارد من وخالق داد که می خواهیم گاهگاه دست به افشای خاینان مارکسیت نمای ساما بزنیم، مارامتهم به بی باک نویسی وزشت نویسی می کند وتوصیه می نماید که اخلاق نویسندگی رامدنظر بگیرد.

ولی نظربه احترامی که به آقای «موسوی» دارم ازحیا نپرسیده ام افراد واشخاصی که بدون سند من و دیگردوستان نیک نام مارادشنام می دهند، اتهام ناروا می بندند، اخلاق نویسندگی ندارند، می شودتا باآنها از روی ادب پیش آمد. اگرپورتال «افغانستان آزاد-سایت آزادافغانستان» ازمن می بود و من صلاحیت نشردرآن سایت را بدون قیچی سانسور می داشتیم از همان اخلاق قلمی که سایت وطن فروشان کمونیست نما یعنی آشغالدانی های «پیام آزادی و شورش» کاری گیرند، کار گرفته مطابق دوغ شان پاغنده می زدم اگر هزاربارمی نوشتند هزارو یکبارمن می نوشتم تا می دیدند و می دانستند یک نان چندپتیراست.

شاید کم و زیاد شما حدود سی سال ازمن جوانتر ترباشید و تجربه برخوردهای قلمی مرا دربرابر دشمنان وخاینان نداشته باشید، توصیه من به شماانقلابیون وطن پرست این است که خاینان را از زیرنقشه قلمی خود دور نکنید وازچشم سفیدی، بی حیائی واتهام زنی آنها هراس نداشته باشید. جامعه افغانها اینها وما راخوب و بهترشناخته اند اتهام زنی خاینان کاه بی دانه است که با شاخی قلم وطن فروش کمونیست نما باد می شود. کسی که پاک است از محاسبه پاک ندارد ما که به نام وهویت خودمی نویسیم کشمش زندگی ما دمیک خیانت ندارد وآنهاییکه شرف باختگان تاریخ هستند دیگرآبرویی درجامعه افغانها ندارند مانند دیگروطن فروشان مجبور هستند که زیرچادری مستعارنویسی سنگر دو و دشنام اتهام زنی برای خودبسازند.

روزی ازجمله صمد از هرها دست و پای مرادرزدان سخت بستند. پرسیدند: این بستن وشکنجه کردن خوش توآمد؟ من گفتم نه! مسطلق خندیده گفتم: خیلی حاضر جواب هستی. گفتم: مرد آن وقت خصلت عقاب رابه خودمی گیرد که درچنگال صیاد بی رحم افتاده باشد و دست آموزشود. من به خاطری گفتم که خوشم نیامد زیرا وقتی فکرمی کنم، مادرم با وجودی که یک زن اطرافی بود درک کرده بود که روزی دشمنان وطن فرزند مرا به خاطرشکنجه سخت می بندند. مرا ازسن ششماهگی درگهواره سخت بسته می کرد، تا در زمانش من به سخت بستن دشمن عادت کنم. شمارا از مادرم کرده سخت تر نیستید وبسته کردن شماخوش من نیامد وآن وقت مراچنان سخت بستند وشنجه کردندکه ازخودبی خودشدم.

بلی مرد آن است که درکشاکش دهرسنگ زرین آسیاب باشد، نه سنگ سیاه لحد قبرمردگان وطن فروش که درتاریخ از او به نام سپرموزه جنایتکاران، مؤرخین یادکنند. نه از شاه وشاه پرستان، نه از داوود وداوود پرستان و نه ازحزب دموکراتیک خلق ونه ازطالب ومجاهد و نه ازدولت کرزی ونه ازچپ وراست تخریبگر، نه دفاع کرده ام ونه منفعت برده ام بلکه همیشه مورد توهین وشکنجه روحی وجسمی وقلمی آنها قرارداشته ام. بنام آن مردی را که علیه خیانت، جنایت و جاسوسان بد نام چپ و راست درسنگرمبارزاتی خود نه خم خم بلکه باقد افراشته مبارزه می کند و مبارزه

کرده شهید راه انسانیت و آزادی شده؛ درود به روان پاک مبارزان انقلابی که ملت غیور افغانستان نمی دانند در کجادفن شدند و نام شان زیور تاریخ واقعی افغانستان است.

نه از فیض و

نه از مجید

نه از احمدجان

نمانده قیرو

آثار جسمی

آن مردان

ولیکن مشهور شدند

در هر دو جهان

که در راه وطن به تلخی دادندجان

و باقی ماندند از خود

افتخار و نام و نشان